

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفولانزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.

ذره بین

تشکیل باند سرقت با باند الکترونیکی پلیس



شهروند اوجسال از دوره محکومیتش را گذرانده بود که با باند الکترونیکی پلیس آزاد شده اما باز هم با همین باند یک باند سرقت تشکیل داد و به سراف لوازم خودرو رفت. محسن در یکی از همین سرقت‌ها دسته چکی از یک مرد بازاری پیدا کرد که ۶ برگ آن امضا شده بود. همین باعث شد که او این برگ چک‌ها را به قمارخانه ببرد و شرط بندی کند محسن و همدستانش صبح دیروز از سوی پلیس پیشگیری پایتخت دستگیر شدند. ماجرا از این قرار بود که محسن بعد از سرقت لوازم خودرو دستگیر شد و دو زندان افتاد. او با حکم قاضی به ۵ سال زندان محکوم شد. دو سال از دوره محکومیتش را گذراند که نتوانست آزاد شود؛ اما باند مغناطیسی به پیش بسته شد که تا پایان دوران محکومیتش از تهران خارج نشود و تحت کنترل پلیس باشد. اما این باند هم نتوانست مرد تبهکار را از خلافکاری منع کند. او دوباره باندی چهار نفره تشکیل داد و با هم به دنبال سرقت لوازم خودرو رفتند. در این سرقت‌ها بود که یک دسته چک امضا شده پیدا کردند. ۶ برگ امضا شده این دسته چک را به قمارخانه بردند و سر آن شرط بندی کردند. دسته چک متعلق به مردی بازاری بود که برای گرفتن وام صبح همان روز ۶ برگ دسته چکش را امضا کرده بود. در حال حاضر همه اعضای این باند دستگیر شده‌اند و تحقیقات پلیس در این رابطه ادامه دارد.

باندی که پس از آزادی زندانیان از زندان تشکیل شد **این نفر ۳۱ نفر ۵۰۰ راننده براید و پولدار تهرانی را نقره داغ کردند**



باند ۳۱ نفره سارقان لاستیک خودروهای پراید و خودروهای شاسی بلند به ۵۰۰ سرقت لاستیک اعتراف کردند. در پی دریافت شکایات شهروندان درباره سرقت لاستیک خودروهایشان، موضوع به صورت ویژه در دستور کار معاونت مبارزه با سرقت وسایل نقلیه پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. در بررسی‌های صورت گرفته، یکی از سارقان حرفه‌ای و با سابقه که در زمینه سرقت لاستیک‌های خودرو در سطح شهر تهران فعالیت داشت، دستگیر و از تعدادی لاستیک خودرو پراید و خودروهای شاسی بلند کشف شد. در بازجویی‌های فنی انجام شده مشخص شد متهم اصلی به هیت حمیدرضا که دارای سابقه کیفری است در زندان با افرادی آشنا شده بود که بعد از آزادی از زندان اقدام به تشکیل باند سرقت کردند. در عملیاتی غافلگیرانه، ۱۵ نفر سارق و مالخر این باند دستگیر شدند. در بررسی و تحقیقات صورت گرفته از این افراد، دیگر اعضای این باند که به صورت گسترده در نقاط مختلف تهران اقدام به سرقت لاستیک خودروهای پراید و شاسی بلندمی کردند نیز دستگیر شدند. اعضای این باند که بیشتر دارای سابقه کیفری هستند در بازجویی‌های صورت گرفته در مجامع ویژه ۵۰۰ سرقت لاستیک اعتراف کردند. آنها نیمه شب با هر در نقاط مختلف شهر تهران به خصوص نقاط شمالی آن اقدام به سرقت لاستیک خودروهای لوکس از قبیل سلناتانه، توسان می کردند و اموال سرقتی را به خانه‌ای در منطقه نبرد انتقال و بعد به تدریج به مالخرا تحویل می دادند. سارقان لاستیک خودروهای لوکس را به قیمت ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان و لاستیک خودروهای پراید را به قیمت ۵۰ هزار تومان به مالخرهای فروختند. از ابزارهای متعلق به اعضای این باند تعداد ۳۰۰ فقره لاستیک خودروهای پراید و شاسی بلند کشف شده است. سارقان به شعبه سوم دادباری ناحیه ۳۴ تهران برای رسیدگی به جرایم‌شان انتقال داده شدند. مالباختگانی که در محدوده تهران بزرگ لاستیک خودروی آنها به سرقت رفته است، می توانند با در دست داشتن اصل پرونده برای تحویل اموالشان به اداره ۲۰ پلیس آگاهی تهران بزرگ واقع در خیابان وحدت اسلامی مراجعه کنند یا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۵۱۰۵۵۵۲۱ تماس بگیرند.

آخرین جزئیات از حادثه کودک آزاری در اصفهان

اسرار حضور مرد متهم در میان کادر زنانه مدرسه

متهم ۵۰ ساله که پدر یکی از دانش آموزان این مدرسه بوده در بازداشت است



”

هشدار از های مگو

سعید خراط‌ها بر ملا شدن این گونه حوادث و رسانه‌ای شدن آن از سوی والدین هشدار جدی در خصوص گسترش آسیب‌هایی است که می‌تواند امنیت جامعه به خصوص در بعد روانی آن را به مخاطره بیندازد. این هشدار را باید جدی گرفت به ویژه آن که این گونه حوادث همواره آمار سبایی هم دارد، که همواره هیچ کس از آن اطلاع دقیقی ندارد. بر اساس یک برآورد انجام شده در خصوص آزارهای جنسی، بر ملا شدن هر یک مورد می‌تواند نشان دهنده ۵۰ مورد مشابه دیگری باشد که به دلایل گوناگون هیچگاه مطرح و به طور رسمی ثبت نمی‌شود. این که این پدیده در مدارس کشور رخ می‌دهد، عوامل زمینه‌ساز متعددی دارد. یکی از موارد بسیار مهم نبود آموزش جنسی و آشنایی خانواده‌ها با چگونگی انتقال این مفاهیم به فرزندان‌شان است. ضمن آن که در مدارس هم به این مقوله اصلا توجه نمی‌شود. از سوی دیگر گزینش افراد در این مراکز به دور از مبانی علمی است. فعالیت در مراکز آموزشی و مدارس نیاز به فیلترهای قوی و علمی دارد. این افراد باید از منظر روانی مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار بگیرند، در حالی که گزینش‌های استخدامی ما این گونه نیست. قربانیان این حوادث هم بخش مهم دیگری هستند که متأسفانه به آن‌ها هم توجه نمی‌شود، یادمان نرود که آمارها نشان داده به‌کارکنان و متهمان تجاوزها و آزار و اذیت‌های جنسی خودشان در سنین کودکی و نوجوانی مورد سوءاستفاده و تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند.

به همین دلیل معمولاً روزها در مدرسه دیده می‌شده است. «این مرد درباره چگونگی اطلاع خانواده‌ها از این حادثه و تعداد قربانیانی که مورد تعرض قرار گرفته‌اند، هم گفت: «ما چرا از چند روز قبل شروع شد؛ مادر یکی از این بچه‌ها متوجه جراحی روی دست او می‌شود، چیزی شبیه جای جاقو، بعد

جاعلی که چهاربار دستگیر شده است؛

آزاد شوم باز هم دزدی و جعل می‌کنم

عکس یکی از اعضای باند را روی آن می‌چسباندم. این می‌شد یک شناسنامه واقعی که متعلق به یکی از اعضای باندمن بود. با این شناسنامه هم حساب بانکی باز می‌کردیم و هم سیم کارت می‌خریدیم. با آن سیم‌کارت‌ها به شماره‌های مختلف رنگ می‌زدیم و به بهانه این که آنها در قرعه کشی یا مسابقه‌ای برنده شده‌اند، آنها را پای دستگاه عابربانک می‌کشاندیم. بعد از حساب‌شان پول به حساب خودمان یا آن حساسی که با شناسنامه جعلی افتتاح کرده بودیم، واریز می‌شد. گاهی اوقات هم عابربانک‌هایی که با شناسنامه جعلی از بانک گرفته بودیم را به مالخرهای مختلف می‌فروختیم. خیلی به درد آنها می‌خورد و می‌توانستند کارهای خلاف زیادی با آن عابربانک‌ها انجام دهند، اما کار اصلی با این شناسنامه این بود که اول پیش از پاک کردن مشخصات مالباخته، عکس را برمی‌داشتیم و عکس خودمان را روی آن می‌گذاشتیم. بعد به بانک می‌رفتیم و با این ادعا که کارت عابربانک‌مان را گم کرده‌ایم، درخواست کارت مجدد می‌کردیم. اگر از ما کارت ملی می‌خواستند، من از قبل برگه درخواست کارت ملی جدید جعل کرده بودم. همان را نشان می‌دادیم و کارت جدیدی با رمز جدید می‌گرفتم. از این طریق حساب‌مالباخته‌ها را خالی می‌کردیم.

قطعه‌هین کارهای می‌کردید؟

گاهی اوقات هم سندا دواج جعل می‌کردیم و با آن شناسنامه‌های جعلی وام از دواج می‌گرفتم. با آن را جایی گروه می‌گذاشتیم که پول بگیریم. چند وقت است که این کار را می‌کنید؟ من سال‌هاست که کار جعل می‌کنم. خیلی هم در این زمینه حرفه‌ای هستم. این بار چهارم است که به همین جرم دستگیر می‌شوم، اما هر بار بعد از آزادی از زندان باز هم کارم را ادامه می‌دهم. جعل یک هنر ذاتی است که من آن را دارم و نمی‌توانم آن را کنار بگذارم. اعضای این باند را هم از قدیم می‌شناختم. یعنی این بار هم آزاد شوی، باز هم این کار را ادامه می‌دهی؟ من نمی‌توانم جعل نکنم. الان ۱۲، ۱۴ سال است که این کار را انجام می‌دهم. چنانچه فرید؟

چهار نفریم. سه مرد و یک زن که یکی از همدستانم که مرد است، هنوز دستگیر نشده است.

شهروند | سال‌هاست که کار جعل می‌کنم. این را یک هنر ذاتی می‌دانند و حتی به این هنرش افتخار هم می‌کنم. ۴ بار تا حالا به همین جرم دستگیر شده‌ام هر بار بعد از آزادی از زندان خلافتکاری‌هایم را ادامه می‌دهم. با اعضای باندشان از داخل خودروها سرقت می‌کردند و شناسنامه مردم را می‌زدیدند. فریدون با این شناسنامه‌ها کارهای خلاف زیادی انجام می‌داد. یکی از این کارها این بود که تمام مشخصات را از روی شناسنامه پاک می‌کردم و مشخصات خود یا یکی از اعضای باندشان را روی آن می‌نوشت. بعد از آن، با این شناسنامه جعلی سیم کارت می‌خرید و دست به کلاهبرداری تلفنی می‌زد. او همچنین با شناسنامه جعلی حساب بانکی باز می‌کرد و عابربانک‌هایم را به مالخرهای مختلف می‌فروخت. یکی دیگر از کارهایی که جاعل حرفه‌ای این پرونده با شناسنامه‌های سرقتی می‌کرد، گرفتن عابربانک‌های مالباختگان از بانک بود. آنها با چسباندن عکس خودش یا یکی از اعضای باند روی شناسنامه، به بانک می‌رفتند و درخواست کارت عابربانک جدید می‌کردند و با این کار حساب مالباختگان را خالی می‌کردند. اعضای این باند که سه مرد و یک زن هستند، تیمی از سارقان حرفه‌ای را تشکیل داده بودند که در حال حاضر یکی از مردان تبهکاری فراری و تحت تعقیب پلیس پایتخت است. سرهنگ مجتبی شمس‌بیرآوند، رئیس کلانتری ۱۲۳ آزادی در رابطه با این پرونده اعلام کرد که تا الان این تیم پول‌های زیادی را به روش‌های مختلف از مردم سرقت کرده‌اند. جاعل اصلی این باند در گفت‌وگو با خبرنگار «شهروند» ماجرای سرقت‌هایشان را توضیح داد:

چند وقت است که سرقت می‌کنی؟

در واقع کار اصلی من جعل است. من یک جاعلم. اما مجبور بودم برای انجام کارهایم سرقت هم بکنم. ما معمولاً از داخل خودروها سرقت می‌کردیم. لوازم و وسایل خودرو می‌زدیدیم. در این میان اگر در خودرویی شناسنامه هم بود، سرقت می‌کردیم. من بان شناسنامه کارهای مختلفی انجام می‌دادم. چه کارهایی؟

چون من در کار جعل خیلی حرفه‌ای بودم، می‌توانستم با مواد خاصی مشخصات این شناسنامه را پاک کنم. بعد مشخصات دیگری می‌نوشتم و

بر اثر از دحام جمعیت در ایستگاه مشترک مترو و پایانه اتوبوسرانی ۵ نفر بر اثر سقوط از پله برقی مصدوم شدند. شامگاه دوشنبه ۱۲ آذرماه، بر اثر ازدحام جمعیت بر روی پله برقی پل فردیس و ایستگاه شهید سلطانی، ۵ نفر بر اثر سقوط از پله برقی مصدوم شدند. پس از اعلام حادثه به اورژانس، بلافاصله دو دستگاه آمبولانس جهت اقدامات درمانی به محل اعزام که سه نفر از مصدومان توسط آمبولانس به بیمارستان شهید مدتی و دو نفر به بیمارستان شریعتی انتقال داده شدند.

شهروند | دو روز از بر ملا شدن راز هولناک مدرسه پسرانه اصفهان می‌گذرد؛ مدرسه‌ای که حالا نه فقط برای ساکنان و اهالی خیابان محمدطاهر این شهر بلکه برای خیلی‌ها شناخته شده است. اسم این مدرسه دوشیفته از صبح دوشنبه تا تجمع تعداد زیادی از اولیای دانش آموزان به سر زبان‌ها افتاد؛ و کودکان آزاری تعدادی از پسر بچه‌های این مدرسه آن هم از سوی یکی از اعضای انجمن اولیا و مربیان خبر تکان دهنده‌ای بود که در پستوها و سرویس‌های بهداشتی این مدرسه رخ داده بود. خبری که البته خیلی زود با واکنش مسئولان آموزش و پرورش و قوه قضائیه همراه شد و صحبت‌های دادستان اصفهان مبنی بر کودک آزاری و مراجعه تعدادی از دانش‌آموزان به پزشکی قانونی تأییدی بود بر گفته‌ها و اعتراض‌های خانواده‌های دانش‌آموزان این مدرسه پسرانه. هر چند مقامات قضائی اصفهان تاکنون فقط موضوع کودک آزاری و بازداشت متهم را تأیید کرده‌اند، اما تحقیقات در خصوص ابعاد این حادثه برای روشن شدن اصل ماجرا و اثبات تجاوز صورت گرفته از سوی متهم پنجاه ساله این پرونده ادامه دارد.

ماجرا با انتشار چند فیلم کوتاه از تجمع پدرها و مادرهای دانش‌آموزان در شبکه‌های اجتماعی شروع شد. پس از چند ساعت عکس و فیلم‌های بیشتری در این خصوص در فضای مجازی دست به دست شد. صحبت از بروز یک حادثه هولناک دیگر بود؛ درست مثل حادثه‌ای که چند ماه قبل در دبیرستان پسرانه تهران رخ داده بود اما این بار سن قربانیان این حادثه خیلی پایین‌تر بود؛ پسر بچه‌های دبستانی و شاگردانی که تازه راه و رسم درس خواندن و پشت میز مدرسه نشستن را تجربه می‌کردند. بر اساس خبرهای منتشر شده قربانیان این حادثه دانش‌آموزان کلاس اول تا سوم دبستان این مدرسه دوشیفته هستند؛ مدرسه‌ای با حدود ۴۰۰ دانش‌آموز. به گفته پدر یکی از دانش‌آموزان، این حادثه برای تعدادی از بچه‌های کلاس دوم در نوبت صبح این مدرسه رخ داده است. او که نتوانست نامش فاش شود، در توضیح بیشتر به «شهروند» گفت: «من حوالی ظهر دوشنبه متوجه شدم؛ البته پدر من کلاس پنجم و شسیفت عصر است؛ اما من متهم را می‌شناسم و یکی از اعضای انجمن اولیا و مربیان این مدرسه است. او متأهل است و فرزندش هم در همین مدرسه تحصیل می‌کند. تاجایی که من اطلاع دارم، آن مرد از آشنایان خانم مدیر مدرسه بوده و

آموزش سرقت رادار جنسیس از سارق حرفه‌ای

شهروند | یک میلیون پرداخت کرده بود تا این سرقت خاص را یاد بگیرد. پیش سردهسته یکی از باندهای معروف سرقت رادار خودروی جنسیس آموزش دیده بود. بعد از این که کار را یاد گرفت، با دختر مورد علاقه‌اش تنیم تشکیل دادند و سراغ خودروهای جنسیس رفتند. دختر جوان به عنوان طعمه سوار این خودروها می‌شد، بعد از فریب راننده آنها را به یک محل خلوت می‌کشاند. این‌جا بود که پسر جوان وارد عمل می‌شد و رادار این خودروی گرانیقیمت را سرقت می‌کرد و آنها را به قیمت‌های زیاد به فروش می‌رساند. این دو سارق حرفه‌ای کارشان را از یک ماه پیش شروع کرده و در خیابان‌ها به دنبال خودروهای جنسیس می‌گشتند. پسر جوان صبح دیروز در حیاط پلیس پیشگیری تهران در گفت‌وگو با خبرنگار «شهروند» ماجرای زدی‌هایم را روایت کرد:

بار چندم است که دستگیر می‌شوی؟

بار دوم است. قبلاً نیز سه‌ه همین جرم دستگیر شدم و الان یک ماهی می‌شود که از زندان آزاد شده‌ام.

فقط رادار خودروی جنسیس سرقت می‌کردید؟

بله. من برای این کار آموزش دیده بودم. برای همین اصلاً سراغ سرقت‌های دیگر نمی‌رفتم.

از چه کسی آموزش دیده بودی؟

منصور سردهسته باند سرقت رادار خودروی جنسیس بود. اتفاقاً او هم چند وقت پیش دستگیر شده بود. من چند ماه پیش سرقت را از او یاد گرفته بودم. او هم در مقابل پول این سرقت را آموزش می‌داد.

چقدر پول گرفت؟

یک میلیون تومان می‌گرفت و آموزش می‌داد. فقط هم من نبودم، چند نفر دیگر هم این سرقت را پیش او آموزش می‌دیدند. بعد از آموزش چه کار کردی؟

اولی خودم به تنهایی سرقت می‌کردم. بعد دستگیر شدم و پس از آزادی از زندان این بار با همدستی دختر مورد علاقه‌ام سرقت‌هایم را ادامه دادم.

دختر مورد علاقه‌ات در این سرقت‌ها چه نقشی داشت؟

ما معمولاً به خیابان‌های مختلف در پایتخت می‌رفتیم. دختر مورد علاقه‌ام می‌ایستاد، خودروی جنسیس را شناسایی می‌کرد و بعد سوار این خودروها می‌شد. سخت بود در خیابان خودروی جنسیسی پیدا کنیم که راننده‌اش مرد تنهایی باشد و بخواهد همدستم را سوار خودرویش کند. گاهی اوقات ساعت‌ها منتظر می‌ماندیم. بعد که همدستم سوار می‌شد، او را به محله‌ای خلوت می‌کشاند، سپس به بهانه رفتن به کافی‌شاپ و رستوران از خودرو پیاده می‌شدند، من هم بلافاصله سراغ خودرو می‌رفتم و رادار را سرقت می‌کردم.

با این رادار‌ها چه کار می‌کردی؟

آنها را می‌فروختم. هر کدام بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان قیمت‌داشت. چرا فقط رادار سرقت می‌کردی؟ رادار خودروهای جنسیس را اگر شیو‌اش را یاد بگیرد، به راحتی می‌توان سرقت کرد و به قیمت بالا فروخت. چند وقت است که با همدست آشنا شدی؟

سه سالی می‌شود که با هم آشنا هستیم.